

اصول دین و فروع دین اسلام کدام محاسن و معایب را دارند؟

حسن البناء مؤسس خوان المسلمین گفته است: " اسلام محاسن تمام گفته است اسلام محاسن تمام مکاتب دینی و سیاسی را داراست بدون اینکه معایب آنها را داشته باشد." سوال این است که این محاسن بزرگ کجا بروز و نمود پیدا کرده که مردم دنیا از آن غافل مانده اند؟ خودمان را فریب ندهیم ببینیم اسلام چه محاسن و چه معایبی دارد تا این کودک نه چندان نوزاد را که قرنهاست با گریه های موزونش انس گرفته ایم با ضایعات همراه آن به دور نیاندازیم:

به همراه محاسن ممکن معایب کلان اصول دین اسلام یعنی توحید، نبوت و معاد و افزوده های شیعی آن یعنی عدل و امامت را باید به چشم بصیرت ببینیم: در اصول سه گانه اول به همراه موضوع امامت شیعیان جز اسارت فکری دیده نمیشود و حسن قابل توجهی را در بر ندارند. یکی یک دانه کردن خدایی مذکر عملاً به تثبیت دیکتاتوریهایی فردی روی زمین انجامیده است. روز قیامت آن چنانی هم حتی به عقل هیچ آدم ناقص الخلقه ای نمی گنجد.

نبوت و امامتی هم که شامل دانشمندان و فیلسوفان بزرگ قرون دور و نزدیک نمی شود به قول عوام باید در کوزه حبشش کرد. در اصل شیعی نیکوی عدل، رکن اساسی قانون اجتماع بشری نهفته است ولی سر رشته گریه به جای اجتماعات بشری به ناکجا آباد خداوند موهوم آسمانها و زمین وصل است. یعنی غالباً منظور این نیست که در روی زمین عدالت اجتماعی و اقتصادی حاکم باشد؛ بلکه به عبارت سفسطه آمیز خیلی گمراه کننده متشبه میشوند بدین عبارت که خدا عادل است و ظالم نیست. یا مذموم تر اینکه مهدی موعودی بیاید عدالت را با شمشیر پرا به اجرا گذارد. معلوم نیست خدایی که حکم قتل دیگر اندیشان را صادر میکند چگونه عادل خدایی است.

اتفاقاً بر عکس صفت قاسم الجبارین از القاب الهی اگر به معنی واقعی کلمه گرفته شود بسیار انقلابی و ضد امپریالیستی است ولی در تاریخ جهان اسلام چه بسا رقبای نظری و فلسفی و سیاسی که بر اساس تعبیر و تفسیر ظالمانه مفسرین اسلامی از آن، سرشان به فنا نرفته است. از جمله دوست من از فقیرترین خانواده های ایرانی که صرفاً به خاطر علامیه درون کیف دستی اش اعدام شد و پدر یک چشمش را با خواهانش در مزارع دیمی نالان گذاشت و رفت. اما در فروع دین اسلام که ضمناً و عملاً غالباً اصول دین اصلی اسلام هستند محاسن و معایب بیشتری را می توان سراغ گرفت: نماز و روزه هر دو به کلام صریح و بی رو دروایستی سرکار گذاشتن ملت‌های میلیاردری اسلامی می باشند.

عملاً نماز خوان وقتی در آخر نماز دست به دعا بر میدارد از درگاه خداوند که بابت نماز گزاری به وی از درگاه ناکجا آبادی وی طلبکار است استغاثه بخشش گناهان و طلب رسیدن به آمال و آرزوهایش را می کند. یعنی نماز با جواز دست بدعا بردن، عملاً در گناه و بی قانونی را برای شخص مؤمن باز میگذارد. مشکل بزرگتر آن از خود بیگانه کردن و سلب اراده فکر آزاد از مسلمین است از اینجاست که درخت اسلام به بار نمی نشیند؛ درختانی هم از قبیل ابن سینا، زکریای رازی، خیام و ابوریحان بیرونی در گذشته دور به نام اسلام بیار نشستند اساساً باورمندان اساس اسلام نبودند. موضوع به اصول و فروع دین شک نکنید در اسلام بدین معنی این است که عقل سلیمت را از کار بیانداز و اراده به سنتهای فرسوده و نامعقول بسپار.

امروزه می دانیم شک که زاینده دانش و خرد و اختراعات و اکتشافات است. خمس و زکات بسیار قانون اجتماعی خردمندان ای است که مسلمین کشف کرده اند که اگر به طور علمی و حساب شده مسترد و صرف نیزهای نیازمندان شود کاری است کارستان؛ ولی در اسلام این قانون اجتماعی نه همانند برنامه پیشرفته سوسیال دموکراتهای اروپایی بلکه هر دنبلی و اختیاری است و آن چه هم که تقدیم میشود عمدتاً به طبقه برگزیده مفتخواران روحانی و نژاد نه چندان شریف سیدها میرسد.

در جهاد هم محاسنی انقلابی وجود دارد اگر آن را به معنی نبرد با جهانخواران بگیریم ولی در عربستان اسلامی که عملاً خود جهانخوارانش اداره میکنند؛ جهاد به معنی نبرد علیه مساوات طلبان گرفته شده است و حج یادگار عصر نه

چندان جاهلیت عرب هم اکنون در محیط خانه کعبه به معنی خدا بده برکت این هم در آمدی کلانی دیگر روی بشکه های نفتی به غارت رونده نسلهای دوباره ملخ خور آیند،ه گرفته میشود.

شیاطین اصلی در واقع سنگ به دست شیطان زده ها برای مضروب ساختن شیطان خیالی داده اند. در موضوع امر به معروف و نهی از منکر هم طبیعی است اول باید عالم مجرب رشته ای از علم شد تا در آن صاحب نظر شد و نظر داد. این اصل به صورت کنونیش بیشتر گویای روش شیوخ درون شکل اجتماعی قبیله ای است تا موردی که به توان آن را تفسیر به گسترش علم و دانش در اجتماعات مسلمین شمرد.

کسب دانش نه در اصول دین و نه در فروع دین اسلام گنجانده شده است. آن حدیث نبوی که میگوید علم را بجوید حتی اگر در چین باشد؛ اکنون به اراده خردمندان چین در خارج از حیطه اسلام علناً تحقق پذیرفته است. اصول خفیه تولی و تبری در تکمیل منطق گریزی و فرقه گرایی مفرط است که دموکراسی و آزادی احزاب و اندیشه ها را در غالب جوامع اسلامی متوقف نموده است.

از نظر اخلاقی روابط خانوادگی و حفظ شئون آن در اسلام محاسن بزرگی دارد وقتی ما روابط خانوادگی لجام گسیخته و بی در و پیکر و هر کی هر کی در پیکر اجتماعات غربی را که در این راه از خواب مرگ محمدی جوامع مسلمین به شدت بهر مند هستند؛ مشاهده می نمایم. ولی در حال حاضر این حسن اسلامی هم غالباً با پایمال کردن حقوق زنان که اسلام از آغاز حقوق انسانی ایشان را بسیار خوار شمرده، معادل گرفته میشود.

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>